

## بزرگداشت روز جهانی زن و همبستگی با زنان عراق

در مراسمی که کمیته ضد سنگسار به مناسبت فرارسیدن ۸ مارس، روز جهانی زن، در پاریس برگزار کرد، پوران بازرگان سخنان زیر را ایراد نمود:

روز جهانی زن را به شما و همه مبارزان راه آزادی و برابری زن در ایران و جهان تبریک می گوئیم. نزدیک به دو قرن مبارزه برای رفع ستم جنسی از زن با افت و خیزهای فراوان همراه بوده و بدون شك دستاوردهای بزرگی به همراه داشته، ولی روابط پدرسالاری همراه با مناسبات طبقاتی و افکار عقب مانده مذهبی و سنتی همیشه در کمین بوده اند تا این دستاوردها را پس بگیرند و راه را بر هر پیشرفتی سد کنند. هنوز راه درازی برای فایق آمدن بر ستم جنسی در پیش داریم و مسلم است که تنها با آگاهی، با اتحاد حد اکثر مبارزان و با جدیت و عقلانیت و شکیبایی می توان بر قرن ها ستم اجتماعی تاریخی غلبه کرد. ما شاهد عرصه هایی از این مبارزه در ایران، به ویژه از ۲۵ سال پیش، هستیم که زنان در خط مقدم جبهه همواره رزمیده اند و نارضایتی و اعتراض خود را به اشکال مختلف از جمله علیه حجاب اجباری نشان داده اند.

طی نزدیک به دو قرن، زنان و به ویژه در کشورهای پیشرفته، در عرصه های مختلف مبارزه کردند. بد نیست اشاره کنیم که مثلاً در فرانسه که یکی از پیشروترین کشورها در این عرصه بوده از ۱۸۳۷ که نخستین بار کلمه فمینیسم به کار رفت و یا کسی مانند فلورا تریستان (۱) مبارزه زنان برای کسب حقوق خویش را در آثارش تئوریزه کرد و با وجود چندین انقلاب سیاسی و اجتماعی که زنان مشارکت فعالی در آن داشتند و با وجود تجربه کمون پاریس در ۱۸۷۱ (۲)، زمانی که در اواخر قرن ۱۹ مسأله حق رأی زنان مطرح شد احزاب دست راستی در پارلمان فرانسه آن قدر به مخالفت خود با این طرح ادامه دادند تا اینکه سرانجام در ۱۹۴۵، به دنبال آزادی فرانسه از چنگال نازیسم و نفوذ فوق العاده کمونیستها، این حق به رسمیت شناخته شد، یعنی تثبیت این حق به شکرانه بیش از صد سال مبارزه محقق شد یا مثلاً حق جلوگیری از آبستنی و قانونی شدن سقط جنین، سرانجام در ۱۹۷۵ و اساساً با آراء نمایندگان چپ پارلمان، قانون «سیمون ویل» (وزیر دولت دست راستی وقت) تصویب شد نه با آرای خود احزاب راست! این حقیقتی تاریخی ست که مبارزه برای رفع ستم جنسی از زنان همواره با مبارزه نیروهای چپ که برای رفع ستم طبقاتی و تحقق برابری اجتماعی فعالیت کرده اند عجین بوده است.

در سال های گذشته، مراسم بزرگداشت ۸ مارس را یکبار به زنان افغانستان و یکبار به زنان فلسطین تقدیم کردیم و امسال این مراسم را به زنان ستمدیده و مبارز عراق هدیه می کنیم که به ویژه در شرایطی بسیار سخت و سرنوشت ساز بسر می برند.

در کشور همسایه ما عراق، هم موارد مشترک فراوان در عرصه مسائل زنان می یابیم و هم طبیعتاً موارد ویژه. وجود جامعه مردسالار و تلاش برای فرودست نگه داشتن زنان با اتکاء به نهادهای مذهبی و تفسیرهای دگم و عقب مانده، در عراق نیز بیداد می کند. در جریان تحولات سیاسی و اجتماعی، زنان بارها به میدان آمده اند و پا به پای گسترش مدرنیسم، حقوق انسانی و برابر خود را در سطوح مختلف مطالبه کرده اند. اما به رغم پیشرفت هایی در این موارد، به محض اینکه شرایط بر طبقات حاکم و مردسالار تنگ شده حقوق زنان را لگدمال کرده اند و امروز یکی از خطرناک ترین حالات را که در تاریخ عراق شاید به این وسعت کمتر سابقه داشته، شاهدیم.

اکنون به برخی از نقاط اوج مبارزات زنان و مشارکت شان در مبارزات اجتماعی که صدای آن ها را به گوش دیگران رساند می پردازیم: در ۱۹۴۳ که عراق در اشغال نیروهای انگلیسی بود و فقر و قحطی مواد غذایی اکثریت

جامعه را فراگرفته بود تظاهرات وسیع زنان برای تأمین نان رخ داد و در همین دهه ۴۰ میلادی، پس از پیروزی متفقین بر فاشیسم و اوجگیری گرایش عمومی به اندیشه های چپ و انتشار کتاب های سوسیالیستی، آرمان آزادی زن قدم های بزرگی برداشت، از جمله روی آوردن وسیع دختران به دانشگاه ها و رواج بی حجابی در بین مردم به ویژه در شهرها. سقوط سلطنت در ۱۹۵۸ با کودتای عبدالکریم قاسم که با پشتیبانی وسیع مردم همراه شد و هنوز، در مجموع، مورد احترام نیروهای دمکرات و مترقی عراق است، با توجه به حضور فعال حزب کمونیست در جامعه، دستاوردهایی برای زنان وجود داشت. در این دوره است که زنان در سراسر عراق و از جمله در کردستان به مبارزه سیاسی و حزبی پیوستند، چنانکه در سرکوب های مکرری هم که علیه مخالفین از جمله کمونیست ها مثلاً در موصل پیش آمد، زنان قربانیان و زندانیان سیاسی فراوان دادند. در همین مرحله بود که قدرت روحانیت کاستی گرفت و جالب توجه اینکه شهر نجف یکی از مراکز مهم فعالیت کمونیست ها گشت. زنان در زمینه های ادبیات و تحصیلات عالی و هنر نمونه های برجسته ای آفریدند که یکی از آنان خانم نازک الملائکه است که از بنیانگذاران شعر مدرن عرب محسوب می شود. همینطور در تئاتر، در سینما چهره های درخشانی بروز کردند. امروز شمار زنان نویسنده و شاعر و نقاش عراقی که آثارشان در اروپا شناخته شده به ده ها نفر می رسد.

روی کار آمدن رژیم بعث که حزبی ناسیونالیست و لائیک بود و با توجه به جو عمومی که در سال های ۶۰ و ۷۰ در دنیا حاکم بود می خواست خود را دست کم در حرف مترقی نشان دهد، قوانینی وضع شد که طبق «گزارش یونیسف در باره زنان و کودکان عراق» (۱۹۹۳) زنان را از حق کامل شهروندی برخوردار می شناخت. در مجلس ملی از ۲۵۰ عضو، ۲۷ نفر زن بودند و شبکه گسترده ای برای اتحادیه عمومی زنان عراق دایر گشت. قانون اساسی ۱۹۷۰ برابری زن و مرد و وجود فرصت های برابر را بدون تبعیض، برای آنان به رسمیت می شناخت. در قانون کار ماده ۷۱ دستمزد برابر در مقابل کار برابر برای زن و مرد تعیین شد. زنانی که کارمند دولت بودند در صورت زایمان، از يك سال تعطیلی با حقوق برخوردار بودند. درآمد زن مستقل از درآمد شوهر تلقی می شد و از این قبیل... و بالاخره قوانین مربوط به خانواده از سلطه قوانین مذهبی خارج شد و شهروند کشور اگر می خواست می توانست بدون توجه به قوانین مذهبی (سنی یا شیعی، کاتولیک یا ...) که بدان تعلق داشت خانواده تشکیل دهد.

اما کارآیی چنین قوانینی تا آنجا بود که منافع دیکتاتور و طبقه حاکم ایجاب می کرد. اگر حکومت در شرایط دشواری قرار می گرفت قوانین روی کاغذ می ماند. اگر شهروند موضعی مخالف حکومت می گرفت از همه حقوق قانونی اش محروم می گشت. بدین ترتیب بود که وقتی بین ایران و عراق اختلافی بروز می کرد ایرانی تبارها تاوان اش را می پرداختند و صدها هزار نفر ایرانی تبار که در شهرهای مختلف عراق از چند نسل پیش اقامت داشتند و برخی حتی فارسی نمی دانستند، به عنوان ایرانی و ستون پنجم دشمن تلقی شده از کشور اخراج می گشتند (در سال های اخیر فهمیده ایم که همه جای دنیا کمابیش چنین است. نمونه اش برخورد آمریکا با ایرانی ها و اعراب و یا فرانسه با ایرانی ها در سال های ۸۰ که برای رفتن به آلمان هم باید اجازه خروج می گرفتیم). مرد اگر به اصطلاح عراقی الاصل نبود، باید زنش را که عراقی بود طلاق دهد. مرد عراقی هم از جمله با دریافت پول تشویق می شد که از زن ایرانی اش جدا شود و طرف محکوم ناگزیر بود هرچه را که داشت رها کرده به ایران تبعید گردد. این ستم شونویستی بارها تکرار شده و زنان قربانی آن بوده اند. هشت سال جنگ با ایران هزاران زن و کودک را بی سرپرست کرد و هزاران نفر را به خاک سیاه نشاند و داغدار نمود. بعد از آن حمله به کویت پیش آمد و از جمله، کشتار صد هزار سرباز عراقی که در حال عقب نشینی از کویت بودند و باز مادران و کودکان داغدار و بی سرپرست. در این باره به همین اشاره بسنده کرده به وضع کنونی اشاره هایی می کنیم:

ستم بزرگی که کمتر سخنی از آن به میان می آید بیش از ده سال بایکوت و محاصره اقتصادی ست و بمباران مستمر مناطق استراتژیک عراق توسط هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی، آن هم با موافقت سازمان ملل. این نه تنها فقر و

محرومیت و بیکاری و ناامنی را دامن زد، بلکه هرچه بیشتر رژیم را به اعمال فشار بر حلقه‌های ضعیف جامعه مردسالار، یعنی زنان، واداشت به طوری که بسیاری از حقوقی که سابقاً برای زنان به رسمیت شناخته شده بود در عمل پس گرفته شد. رژیم صدام که زیر فشار تحریم اقتصادی و نظامی و مالی و بازرگانی قرار داشت به برافراشتن شعارهای اسلامی روی آورد. بر پرچم کشوری که اساساً لائیک معرفی شده بود الله اکبر نقش بست. رژیم بر طایفه گری و سنت های قبیلگی و حمایت از سنی ها در برابر شیعیان و کردها متکی گشت، چنان که چند همسری و برخی سنت های متروک ضد زن دوباره رایج گشت. محاصره اقتصادی رژیم را در تنگنا گذاشت ولی راه را چارطاق برای تعصب مذهبی و طایفه گری که در مسیر تاریخی جامعه تضعیف شده بود دوباره گشود. از این بایکوت بیشترین رنج را توده زحمتکش به خصوص زنان و کودکان تحمل کردند. از ده ها سال پیش، هزاران نفر از عراقیان در تبعید بسر می بردند، این بار موج میلیونی مهاجرت و درگیری آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. ده ها رمان و داستان کوتاه که زنان روشنفکر و هنرمند عراقی راجع به رنج زنان در سال های جنگ و بایکوت در همین سال های اخیر نوشته اند در دست است.

لوموند ۷ فوریه ۲۰۰۴ در گزارش مفصلی از جمله می نویسد:

خانم امل سویدان، ۴۶ ساله، پزشک، متخصص تغذیه، در سال ۱۹۹۸ پژوهشی درباره آثار فیزیکی تحریم اقتصادی بر زنان بغداد انجام داد. از ۶۰۰ زن و دختر که گروه مطالعاتی او معاینه کردند و وزن و قد آن ها را سنجیدند معلوم شد که ۱۶ درصد از آن ها که سن شان بین ۱۰ تا ۱۴ سال بود از «سوء تغذیه حاد» رنج می بردند و ۴۱ درصد از آنها از «سوء تغذیه مزمن» که باعث شده قد آن ها از حد متوسط کوتاه تر باشد. جنس مذکر کمتر دچار این کمبود بوده زیرا سر سفره خانواده از غذا نصیب بیشتری می برند.

اشاره کوتاهی هم به وضع زنان کردستان عراق می کنیم: وجود جنگ بین دولت مرکزی و کردها از یک طرف و نزاع و رقابت بین دو جریان قبیلگی بارزانی و طالبانی از طرف دیگر، اوضاع پیچیده ای برای زنان کرد به وجود آورده که بسیار دردناک است. دیده شده که تماس بین یک زن کرد با قبیله یا اردوی مخالف (حتی اگر این تماس حالت تعرض و تجاوز به زن داشته) باعث می شود که آن زن یا دختر محکوم به مرگ شود. مواردی اتفاق افتاده که دختر را افراد خانواده اش در حال خواب، خفه کرده اند! تازه پس از سال ۱۹۹۱ که زیر نظر سازمان ملل متحد وضع جدیدی در کردستان عراق دائر شده و این منطقه از بسیاری فشارها و قحطی ها و بمباران های آمریکایی که بقیه مناطق عراق دچار آن بوده اند برکنار بوده، وضع در مورد زنان بهبود چندانی نیافته است. برای نمونه در سال ۱۹۹۲ تعداد ۳۳۷۲ زن در کردستان طوماری را برای کسب حقوق اولیه شان امضا کردند که تا یک سال بعد تعدادشان به ۲۰ هزار نفر رسید. برای آنکه پیشنهادها بتواند در پارلمان کردستان مطرح شود باید ۱۰ نماینده پارلمان از دو حزب حاکم هم آن را امضا می کردند. در سال ۱۹۹۳ تعداد ۳۵ نماینده وابسته به اتحاد میهنی (طالبانی) آن را امضا کردند، ولی از حزب دموکرات (بارزانی) کسی امضا نکرد به این بهانه که «حالا وقتش نیست». البته تلاش زنان کرد متوقف نشده ولی از اینکه به جایی رسیده باشد هم اطلاع نداریم.

باری، حمله آمریکا - انگلیس و سقوط رژیم بعثی درهای جهنم را، بدتر از پیش، به روی کل کشور، به ویژه زنان، گشود. گزارش هایی که از اوضاع آشفته کشور اشغال شده عراق در اینجا و آنجا منتشر می شود غیر از خشونت بی حدی که سربازان اشغالگر بر مردم اعمال می کنند و در این کار تجربه سرکوب های وحشتناک ویتنام و فلسطین را تکرار می کنند (از جمله تخریب خانه ها و ...) و زنان و کودکان را به وحشت دائم و محرومیت از حد اقل زندگی مبتلا کرده اند و ناامنی را چنان گسترش داده اند که زنان را غالباً خانه نشین کرده، به درون چادر و حجاب رانده اند. ستم جنسی در چنین اوضاع بحرانی کاراتر و براتر از همیشه و همراه با توجیهات مذهبی و سنتی، زنان عراق را زیر ضربات خردکننده خود قرار داده است.

اشغالگران که به نام استقرار دمکراسی در عراق، دست به این جنایت بزرگ قرن زدند جنایتکاری را که در مقایسه با خودشان کوچک بود، از میان برداشتند و خود بدتر جایگزین آن شدند. به جای استقرار حقوق شهروندی، در کشوری که قرن ها سابقه همزیستی اقوام و مذاهب داشت، بلافاصله سراغ مناسبات قبیلگی رفتند (چنانکه انگلیس ها سال گذشته در بصره مرتکب شدند) و با تقسیم کشور به طوایف مذهبی و قومی، کشور را که در جنگ دوم خلیج (۹۱) به مرحله ماقبل صنعتی به عقب رانده شده بود امروز به مناسبات اجتماعی ملوک الطوایفی مذهبی رانده اند. دولت موقت دست نشانده آمریکا حتی قوانین مربوط به خانواده را که در زمان صدام همه جا تابع مذهب نبود، مذهبی کرده است. لوموند در گزارش خود می نویسد: در ۱۳ ژانویه چند صد نفر از زنان عراقی دست به تظاهرات زدند تا به قانون جدید خانواده که به ویژه ارتجاعی ست و دولت آمریکا ظاهراً آن را از فتوای آیت الله سیستانی اخذ کرده اعتراض نمایند. «سازمان آزادی زنان عراق» یک طومار در سطح بین المللی منتشر کرده و این طرح قانونی «آزادی کُش، زن ستیز، و تجد ستیز» را محکوم می نماید. امضا کنندگان طومار اعلام کرده اند که با این قانون، «تبعیض جنسی در اماکن عمومی» اجباری می شود، در حالی که تعدد زوجات امری عادی و مجاز تلقی می گردد، سنگسار علیه زنانی که به زنا متهم شوند دوباره برقرار می شود و رفت و آمد آزادانه زنان ممنوع می گردد.

اعتراضاتی که در عراق به خصوص از طرف زنان و همین طور در مجامع بین المللی علیه این طرح صورت گرفته باعث شده که ظاهراً آن را ملغی کنند ولی مبارزه در این زمینه نیز ادامه دارد.

ما نهایت همدردی خود را با زنان عراق، از جمله زنان کرد، که زیر ستم مردسالارانه (چه با بهانه های مذهبی و چه با سنت های عشایری) بسر می برند، اعلام می کنیم و معتقدیم که دست کم انعکاس فریاد و خواست های آنان نخستین وظیفه ما در قبال خواهران ستمدیده ما ست. مگر نه این است که ۸ مارس سمبل مبارزه جهانی برای رهایی زنان است؟

---

۱- فلورا تریستان (*Flora Tristan*) زن و سیاستمدار فرانسوی (۱۸۰۴-۱۸۴۴)، پدرش یک اشرافزاده پرویی بود و مادرش فرانسوی. وی همسر آندره شازال (گراور ساز معروف) بود و مادر نقاش مشهور فرانسوی گوگن (*Gauguin*). فلورا یکی از پیشگامان فمینیسم در فرانسه است که [دریک کشور کاتولیک] برای حق طلاق مبارزه می کرد. غیر از کتاب *Périgrénations d'une paria* (سفرهای زنی مطرود - ۱۸۳۸)، کتاب *Unité ouvrière* (وحدت کارگری - ۱۸۴۳) را نوشت و در گشودن راه به سوی سوسیالیسم انترناسیونالیستی کوشید (برگرفته از فرهنگ روپر، جلد دوم).

۲- پس از چند انقلاب و چند بار بازگشت ارتجاع، این، کمون پاریس بود که نظام جمهوری را در فرانسه تثبیت کرد و طرحی نو از دنیایی بهتر در افکند: «آزادی، برابری، برادری»، جدایی دستگاه دین از دولت، دموکراسی مستقیم و غیربوروکراتیک، حق عزل نمایندگان، ارتش مردمی به جای ارتش حرفه ای، حقوق برابر زنان و مردان، آموزش لائیک اجباری و رایگان، لغو تبعیض بین زن مجرد و غیرمجرد، لغو تبعیض بین کودک مشروع و «نامشروع»، به آتش کشیدن گیوتین (سمبل مجازات اعدام)، اشاعه آزادانه هنر... چنین بود نخستین حکومت کارگری که به گفته مارکس اصولش جاودانه است و آن ها را نمی توان از بین برد.

در زیر، ترجمه شعری را می آوریم که در پی سخنرانی فوق و باز در همبستگی با زنان عراق، جمیله ندائی قرائت کرد:

## آرزوها...

از شاعر عراقی، خانم ریم قیس کبه

به تصادف،  
وقتی توپ ها به خوابی کوتاه فرو رفته بودند  
در فاصله ی میان دو جنگ،  
با هم آشنا شدیم  
روئای هر دو مان این بود که  
گورستان ها  
به صحنه ی رقص بدل شوند  
تو گفتی: «از امیدها مان آنچه ویران شده  
باز سر بر آسمان خواهد افراشت».  
و من گفتم: توپ ها مرده اند،  
جنگ ها تا سالیان دراز در خواب خواهند ماند».  
اما تندتر از صغیر یک گلوله  
ارتشی از برابرمان گذشت.  
بین غربت  
و زمزمه ی عاشقانه مان  
در نوسان ایم  
و در این خیال که:  
«آه، ای کاش خمپاره ها به نخل بدل می شدند!»  
لحظه ای کوتاه،  
و جنگ سوم مان در گرفت.  
دیگر جایی برای آرزوها نیست:  
تو خاموشی را شغل خویش کرده ای  
و من فاجعه را حرفه ام.

\* از کتاب حرف های زنان عراق، فاجعه ی عراق به قلم زنان» تألیف خانم انعام کچه چی

*Inaam Kachachi: Paroles d'Irakiennes*  
*Le drame irakien écrit par des femmes.*  
*Editions: Le serpent à Plumes, Paris 2003.*

این کتاب گلچینی ست از آثار ادبی حدود ۲۰ تن از زنان عراق (رمان، داستان کوتاه و شعر) که در سال های اخیر نوشته شده است و در آن ها از اوضاع مشقت بار زندگی و ستم هایی که بر مردم و به ویژه بر زنان رفته، چه در کل دورهء صدام حسین، و چه طی ده سال محاصره ی اقتصادی و حملات مداوم هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی سخن گفته شده است. نویسندگان به سبک خویش از مردسالاری و نابرابری حقوق بین زن و مرد نیز که ریشه ی عمیق در سنت ها دارد انتقاد کرده اند.

[www.peykarandeesh.org](http://www.peykarandeesh.org)

انتشارات اندیشه و پیکار